

تکنولوژی و تحولات سیاسی در جهان عرب

سیدمحسن آل سیدغفور*

استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه شهیدچمران اهواز

فرشاد رومی

دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل در دانشگاه ایالتی لوباجفسکی روسیه

(تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۱۷ تاریخ تصویب: ۹۱/۲/۱۸)

چکیده:

پیشرفت تکنولوژی زمان و فاصله را از میان برداشته است. تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به فضای غالب سیاست در دنیای معاصر تبدیل شده‌اند. ابزارهایی مانند تلفن همراه، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای با تقویت فضای عمومی نقش حمایت‌کننده‌ای را در تغییرات اجتماعی ایفا می‌کنند. در تحولات بی‌سابقه اخیر در برخی کشورهای عربی ما شاهد ظهور و قدرت‌نمایی بی‌بدیل رسانه‌های نوین هستیم. جوانان عرب با استفاده از شبکه‌های اجتماعی نشان دادند راهی برای تداوم سانسور و دور نگه داشتن مردم از اطلاعات درست وجود ندارد. البته ساختار سیاسی و اقتصادی کشورها در ایجاد تغییرات انقلابی مؤثر است، اما اگر ابزارهای مدرن ارتباطی در دسترس نبودند، در خوش‌بینانه‌ترین حالت سرنگونی حاکمان خودکامه عرب پرهزینه‌تر و دشوارتر به وقوع می‌پیوست.

واژگان کلیدی:

تکنولوژی، خاورمیانه، دیکتاتوری، رسانه، شبکه‌های اجتماعی.

مقدمه

بهار عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا با خودسوزی یک جوان تحصیل کرده به نشانه اعتراض به فقر و بیکاری در یکی از شهرهای کوچک تونس آغاز شد و آتش یک قیام گسترده را برانگیخت؛ آتشی که مدتی بعد زین العابدین بن علی، حسنی مبارک، معمر قذافی و دیکتاتور یمن را سرنگون کرد و هنوز در برخی کشورها مانند بحرین ادامه دارد. از خواسته‌های مشترک این قیام‌های مردمی، کسب آزادی، دولت قانون‌مدار، رعایت حقوق بشر و حیثیت انسانی بوده است تا همه بتوانند به سهم خود در عرصه عمومی و زندگی گروهی تأثیرگذار باشند.

اما برای درک آنچه امروزه در خاورمیانه عربی رخ داده، نگاهی گذرا به تغییرات جمعیت‌شناختی و ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی این کشورها ضروری است. در حال حاضر بیشتر جمعیت جهان عرب را جوانان تشکیل می‌دهند؛ برای مثال، سهم جمعیت جوان ۱۵-۲۹ سال از کل جمعیت در بحرین ۳۸ درصد و در تونس و یمن بیش از ۵۰ درصد است. نه تنها تعداد جوانان نسبت به کل جمعیت در خاورمیانه فوق‌العاده بالاست، بلکه این جمعیت جوان در یک فاصله زمانی کوتاه به سرعت افزایش یافته است. از ۱۹۹۰م تاکنون جمعیت جوان بین ۱۵-۲۹ سال در لیبی و تونس ۵۰ درصد، در مصر ۶۵ درصد و در یمن ۱۲۵ درصد رشد کرده است (Goldstone, 2011: 13). در کنار این سونامی افزایش جمعیت جوان باید به نرخ بالای فقر، بیکاری، نابرابری جنسیتی، نژادی و مذهبی، شرایط نابسامان اقتصادی، فساد مالی، دیکتاتورهای سالخورده و دولت‌های اقتدارگرای بی‌صلاحیت اشاره نمود که موجب افزایش نارضایتی و مخالفت با وضع موجود شده‌اند. اکثریت مردم این کشورها از حق انتخاب سرنوشت خود محروم‌اند، دستاوردهای اقتصادی محدود نصیب یک اقلیت کوچک می‌شود و اکثریت در فقر زندگی کرده، به تدریج زیر بار بی‌عدالتی و دیکتاتوری می‌شکنند. به طور کلی بر اساس شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب^۱، کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در شرایط بسیار نامطلوبی قرار گرفته‌اند (ن.ک. جدول شماره ۱).

از محدود اقدامات مثبت این حکومت‌های غیردموکراتیک، برنامه‌ریزی در حوزه گسترش آموزش عالی و توسعه زیرساخت‌های ارتباطی است که بسیاری از جوانان را به ادامه تحصیل در دانشگاه‌ها و بهره‌مندی از وسایل ارتباطی نوین قادر ساخته است. برای مثال ضریب نفوذ اینترنت در خاورمیانه و شمال آفریقا در مقایسه با دیگر مناطق جهان رشد بالاتری داشته و تعداد کاربران آن در کشورهای عربی به طور چشمگیری رو به افزایش است (ن.ک. جدول شماره ۲).

بر اساس آمار در ده سال گذشته، ورود جوانان به دانشگاه‌های تونس، مصر و لیبی به ترتیب به سه، چهار و ده برابر افزایش یافته است. رشد تعداد دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی تأثیر مهمی بر حیات سیاسی کشورهای خاورمیانه داشته است. نرخ بیکاری در میان اقشار تحصیل کرده نسبت به دیگر گروه‌ها بالاتر است؛ برای نمونه در مصر بیکاری افراد دارای تحصیلات عالی ده برابر افراد غیردانشگاهی است. این لشگر عظیم بیکاران مدرک‌به‌دست در مصر و تونس در سال‌های اخیر برای جلب توجه مقامات، بارها به معضلاتی چون بیکاری، تعدی پلیس و فساد مقامات حکومتی اعتراض کرده، دست به اعتصاب زدند، اما این بار این اعتراضات به دیگر اقشار جامعه نیز سرایت کرد (ibid: 13). البته روشن است که انقلاب‌ها در طول تاریخ ناشی از عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مختلفی هستند. اما پرسش نوشتار حاضر این است که اگر تکنولوژی‌های نوین ارتباطی مانند تلفن همراه، شبکه‌های ماهواره‌ای، اینترنت و شبکه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک^۱، توئیتر^۲ و یوتیوب^۳ در دسترس افراد نبود، این جنبش‌ها و تحولات سریع در ساختارهای سیاسی کهنه این کشورها رخ می‌داد؟

مبانی نظری تحقیق

برای رمزگشایی، معنادهی و تمیزدادن جنبش‌های اخیر خاورمیانه می‌توان از بسترهای نظری مختلفی که ما را به نتیجه واحدی می‌رسانند بهره جست از جمله:

حوزه عمومی هابرماس

نخست مناسب است به نظریه حوزه عمومی هابرماس^۴ اشاره شود. از نظر هابرماس، حوزه عمومی عرصه یا قلمروی از حیات اجتماعی است که در آن می‌توان مسائل و موضوعات موردعلاقه عمومی را به بحث و بررسی گذاشت؛ عرصه‌ای که در آن می‌توان اختلاف‌نظرها و تضارب آرا و افکار را از طریق بحث و استدلال منطقی و نه از طریق توسل به جرمیات جاافتاده و احکام صادره از سوی عرف و عادات حل نمود (نوذری، ۱۳۸۱، ص ۲۳).

هابرماس ریشه‌های تاریخی و مکانی ظهور حوزه عمومی را درون سالن‌ها، کافه‌ها و مجامع عمومی آزاد قرن هجدهم جستجو می‌کند که در واقع طلایه‌دار و پیشگام روشنفکری ادبی و سیاسی اروپا به‌شمار می‌رفتند. در همین مراکز بود که شالوده و سنگ بنای نخستین معارضه با اقتدار فئودالی پایه‌ریزی گردید. حوزه عمومی در واقع منادی و بیانگر منافع

-
1. Facebook.
 2. Twitter.
 3. You tube.
 4. Habermas.

اجتماعی یا «منافع عمومی» است (همان، ص ۴۳۴). از نظر هابرماس رفتار افراد در جریان مفاهمه در حوزه عمومی عمدتاً بر مبنای «کنش‌های کلامی» عاری از فشار و سلطه در شرایط آزادانه، آگاهانه و برابر صورت می‌گیرد (همان، ص ۴۳۹). پس حوزه عمومی قبل از هر چیز قلمروی از حیات اجتماعی ماست که در آن چیزی نظیر افکار عمومی بتواند شکل بگیرد (همان، ص ۴۶۶). تعبیر افکار عمومی ناظر به کارکردهای انتقاد، بازبینی و چالش‌های عموم جامعه یا توده‌ها و نیز ناظر به نظارتی است که در این میان از سوی توده‌ها بر اعمال و رفتار اقتدار سازمان‌یافته دولتی در جریان مشارکت سیاسی، سخنرانی‌ها، اعتصابات و درگیری‌ها و از همه مهم‌تر در جریان انتخابات ادواری مختلف اعمال می‌گردد (همان، ص ۴۶۹).

جهانی شدن

از دریچه جهانی شدن نیز می‌توان تحولات اخیر خاورمیانه را کاوش و بررسی نمود. در پرتو فرایند جهانی شدن است که امروزه دولت ملی کارآمدی خود را از دست داده است و تصمیم‌گیری درونی یک کشور در برابر امواج اقتصادی و سیاسی این پدیده، محدود می‌شود و با ورود بازیگران نوین به عرصه نظام بین‌الملل خودمختاری ملی روند نزولی پیدا می‌کند.

جهان‌گستری به ایجاد جامعه جدیدی کمک کرده، همه افراد بشر را از حیث جغرافیایی و همه جنبه‌های زندگی از جمله اقتصاد، فرهنگ، سیاست و حتی اخلاق دربر می‌گیرد (رجایی، ۱۳۸۰، ص ۱۱۵). در جهانی شدن روابط اجتماعی به صورت فرامرزی درمی‌آید، زندگی انسان در جهان واحد به سوی یکپارچگی و نبود محدودیت مکانی و زمانی پیش می‌رود، قید و بندهای جغرافیایی از میان می‌روند و جهانیان به یکدیگر نزدیک می‌شوند. با چنین رویکردی جهانی شدن فرایندی است که در آن مرزهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی میان کشورها روزبه‌روز کم‌رنگ‌تر می‌شوند (آشفته تهرانی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۱). اقتصاد و بازار که اصلی‌ترین موتور محرکه جهانی شدن را تشکیل می‌دهند برای کسب حداکثر سود به دنبال ثبات سیاسی و گسترش حاکمیت قانون به عنوان یکی از پایه‌های اصلی دموکراسی می‌باشند. پس دورنمای حکومت آزاد و دموکراتیک یکی از دستاوردهای جهانی شدن است و آنچه این تحولات را میسر می‌سازد، پیشرفت‌های خارق‌العاده بشر در حوزه تکنولوژی‌های ارتباطی است. انسانی که در گذشته بیگانه‌گریز بود، اکنون همراه با امواج رسانه‌ها به دنیای ناشناخته فرهنگ‌ها، سنت‌ها و شیوه‌های مختلف زندگی پای می‌نهد.

اصولاً میان نوگرایی و آزادی‌خواهی رابطه مستقیم برقرار است و بنا به استدلال هابرماس، هرچقدر که نوگرایی پیشرفت کند به همان میزان امکان دموکراسی افزایش می‌یابد (آشفته تهرانی،

همان، ص ۱۸۶). الوین تافلر^۱ سال‌ها قبل پیش‌بینی می‌کرد که رسانه‌های نوین جهان را یکپارچه خواهند کرد. وقتی رسانه‌های جدید پخش اطلاعات کره زمین را فرا بگیرند، جهانی شدن را که نظام نوین تولید ثروت به آن نیاز دارد، تسهیل می‌کنند و در این شرایط حفظ اطلاعات در داخل مرزهای ملی و دور از دسترس نگاه‌داشتن آن، دشوارتر می‌شود (تافلر، ۱۳۷۰، ص ۵۰۱).

از دیدگاه تافلر، مهم‌ترین شاخصه رسانه‌های جدید، وجود تنوع است. جابه‌جایی از حوزه رسانه‌های دارای حق انتخاب اندک به حوزه قدرت انتخاب فراوان، نه تنها دارای تبعات فرهنگی است، بلکه دارای تبعات سیاسی نیز می‌باشد. گسترش قدرت انتخاب در امر رسانه‌ها خود ذاتاً یک پدیده دموکراتیک است. این موضوع زندگی را برای سیاستمدارانی که یک محیط بدون حق انتخاب به پیروانشان عرضه می‌دارند، دشوار خواهد کرد (همان، صص ۵۰۳-۵۰۲).

نفس وجود رسانه‌های پرتوان ارتباطی که قادرند سرتاسر قاره‌ها را پوشش دهند، قدرت را میان رهبران سیاسی ملی و جامعه جهانی جابه‌جا خواهد کرد. درست همان‌گونه که در قرن گذشته رهبران محلی مجبور شدند اعمال خود را در برابر دادگاه افکار عمومی ملی توجیه کنند، رهبران ملی فردا نیز با افکار عمومی جهانی بسیار پیشرفته‌ای مواجه خواهند شد. نظام جهانی رسانه‌ها هزینه‌های مقابله با افکار عمومی جهانی را بالا می‌برد. اگر کشوری آنها را ناچیز شمرده نادیده انگارد، دچار خسران و مجازات خواهد شد. افکار عمومی جهانی صحنه را برای اقدام جهانی آماده می‌سازد (تافلر، همان، صص ۵۳۰-۵۲۹).

در حال حاضر شبکه اینترنت لحظه‌به‌لحظه در حال گسترش است. اگر رسانه پیام است، پس شبکه جهانی پیام آینده است. قلمرو تازه‌ای برای تحقق توان بالقوه آدمی پدید آمده که اگر تمدن‌ها بهترین عرضه‌گاه چنین تحقیقی باشند، پس تمدن تازه‌ای زاده شده است. برخلاف تمدن‌های پیشین که در حوزه جغرافیایی خاصی از جهان بروز کردند، تمدن جدید جهان را فراپوشانیده و همه بشریت و هر تمدنی را در خود سهیم ساخته است (رجایی، همان، ص ۱۱۹). فوکویاما^۲ می‌گوید آزادی انتخاب در هر چیزی از کانال‌های تلویزیونی گرفته تا خرید اجناس ارزان‌قیمت، تا دوستانی که در اینترنت دیدار می‌کنند، به مرحله انفجار رسیده است. سلسله مراتب‌ها از هر سنخ سیاسی و تشکیلاتی زیر فشار قرار گرفته، شروع به خرد شدن کرده‌اند (همان، ص ۱۲۲).

1. Elvin Tafler.

2. Fukuyama.

قدرت نرم

جوزف نای^۱، نظریه پرداز قدرت نرم، معتقد است جوامع مجازی در اینترنت با گسترش خود، قلمروهای سرزمینی را به نوعی حذف کرده، الگوهای حاکمیتی خود را به وجود می آورند. دولت‌ها محوریت خود در زندگی مردم را از دست خواهند داد و مردم با قراردادهای داوطلبانه زندگی خواهند کرد و به سادگی یک کلیک به جوامع وارد یا از آنها خارج می شوند. انقلاب اطلاعاتی کنونی که گاه «انقلاب صنعتی سوم» نیز خوانده می شود، ریشه در پیشرفت‌های تکنولوژیکی سریع در زمینه کامپیوتر، ارتباطات و نرم افزار دارد که به کاهش اساسی هزینه ایجاد، پردازش و انتقال اطلاعات می انجامد. از دیدگاه نای، حوزه سایبر از این نظر منحصربه فرد است که مصنوعی و جدید بوده، به مراتب سریع تر از محیط‌های دیگر در معرض تغییرات تکنولوژیکی قرار می گیرد. جغرافیای فضای سایبر خیلی ناپایدارتر از محیط‌های دیگر است. جابه جاکردن کوه‌ها و دریاها مشکل است، اما با فشردن یک کلید می توان بخش‌هایی از فضای سایبر را خاموش و روشن کرد. گسیل کردن الکترون‌ها به سرتاسر جهان ارزان تر و سریع تر از جابه جایی کشتی‌های بزرگ در فواصل طولانی آن‌هم با اصطکاک آب شور است (نای، ۲۰۱۱م).

در چنین شرایطی جنگ‌ها در عصر جدید دیگر به شکل سخت افزاری نیست و مسائل امنیتی فقط در ارقام تجهیزات نظامی خلاصه نمی شود. بلکه تحولات سایبری نقشی روزافزون می یابد و بی دلیل نیست که در سند راهبردی جدید ناتو، با عنوان فهم استراتژیک جدید، امنیت سایبری و تروریسم سایبری به عنوان یک مسئله مهم برجسته شده است و از اینجاست که رابطه بین تکنولوژی، دیپلماسی و امنیت ملی شاخص تر می گردد (سجادپور، ۱۳۹۰ش).

از دیدگاه نای، موانع ورود به حوزه سایبر آن قدر کم اند که بازیگران غیردولتی و دولت‌های کوچک نیز می توانند با هزینه‌ای پایین نقش برجسته‌ای ایفا نمایند. منازعات در بین حکومت‌ها، شرکت‌ها و افراد چیز تازه‌ای نیست، اما هزینه پایین ورود، گمنامی، و نامتقارن بودن در آسیب پذیری، به این معناست که بازیگران کوچک تر در فضای سایبر نسبت به حوزه‌های سنتی تر سیاست جهانی ظرفیت بیشتری برای اعمال قدرت سخت و نرم دارند (نای، همان). بنابراین سیستم نوین رسانه‌های جهانی در واقع به ابزار اصلی انقلاب در جهان در حال تحول امروز مبدل شده است و ما اینک در کشورهای خاورمیانه به طور نسبی با چنین وضعیتی روبرو هستیم.

1. Joseph Nye.

نقش رسانه‌های نوین در تحولات سیاسی

دیوید هافمن^۱، تحلیل‌گر سیاسی، به دولت امریکا توصیه می‌کند، همان‌طور که سلاح‌های ارتباطات جمعی را به سلاح‌های جنگی اضافه می‌کند، باید از رسانه‌های آزاد، دموکراسی و جامعه مدنی در جهان اسلام بیشتر حمایت کند. در نظر او گرچه بسیاری از مسلمانان به‌ویژه در خاورمیانه با سیاست خارجی امریکا موافق نیستند، اما آنها تشنه آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات هستند. انقلاب ارتباطات دیپلماسی را همگانی‌تر نموده، فعالیت‌های دیپلماتیک که روزگاری محرمانه به‌شمار می‌رفت، در قرن ۲۱ به معرض نمایش گذاشته می‌شود. اکنون بیشتر بازیگران نظام بین‌الملل را بازیگران غیرحکومتی، تجار، لایست‌ها، روزنامه‌نگاران و فعالان اینترنتی تشکیل می‌دهند. در عصر ارتباطات الکترونیکی، مردم اهمیت دارند. اکنون خیابان یک نیروی قوی به‌شمار می‌آید که قادر است حتی محکم‌ترین توافقنامه‌های صلح را نیز درهم بشکند (Hoffman, 2002:84-86).

در ژانویه ۲۰۱۰، وزیر خارجه امریکا طرح کلی کشورش برای ارتقای آزادی اینترنت در جهان را ارائه نمود. او بر چند نوع آزادی شامل آزادی دسترسی به اطلاعات، آزادی شهروندان برای ایجاد رسانه‌های عمومی خاص خودشان و آزادی افراد برای گفتگو با یکدیگر از طریق شبکه‌های اجتماعی بدون دخالت دولت‌ها تأکید نمود. کلیتاً حتی اعلام کرد دولت متبوع او برای توسعه ابزارهای دسترسی به اینترنت در کشورهایی که کاربران با محدودیت روبرو هستند بودجه‌هایی اختصاص می‌دهد (Shirky, 2011:31).

باید توجه داشت هرچند امریکا در خط مقدم نوآوری تکنولوژی و قالب‌های رسانه‌های جدید قرار دارد، اما مهم این است که دگرگونی جهانی ارتباطات را صرفاً در چارچوب تئوری توطئه و امریکایی شدن جهان قلمداد نکنیم، بلکه این تمایلات ریشه در پویایی تکنولوژی و اقتصاد جهانی دارند؛ گرچه شکار فرصت‌ها از خصوصیات قدرت‌های جهانی است (آکسفورد & هاگینز، ۱۳۸۷، ص ۵۹). به همین دلیل است اقدامات دولت ایالات متحده در به‌خدمت گرفتن شبکه‌های فعال دنیای مجازی مانند فیس‌بوک، یوتیوب به عنوان دیپلمات‌های دیجیتال وزارت خارجه، برخی دشمنان خارجی ایالات متحده را به این باور رسانده که آزادی اینترنت ایفاگر اسب تروجان برای امپریالیسم امریکاست (Morozov, 2011). برای مثال دولت‌های غربی که در گذشته به دلیل روابط شخصی و رضایتمندی از موفقیت رژیم تونس در سرکوب جنبش‌های اسلامی چشمان خود را بر استبداد، فساد و سوءاستفاده گسترده خاندان بن‌علی بسته بودند، پس از ناآرامی‌های اخیر در این کشور، تلاش کردند با سوارشدن بر موج خبری ایجادشده در

1. David Hoffman.

توییتر و فیس‌بوک، خود را همراه و حامی جنبش مدنی تونس نشان داده، روابط و منافع خود در تونس جدید را همچنان حفظ کنند.

در سال‌های اخیر، به کمک فناوری اطلاعات، زمان و فاصله از میان برداشته شده است. ویروس آزادی که برای آن هیچ پادزهری وجود ندارد، از سوی شبکه‌های الکترونیکی به چهار گوشه جهان سرایت کرده است. هم‌زمان با پیشرفت در فناوری ارتباطات، افراد به سهولت و به‌ارزانی در آرمان‌ها و آرزوهای یکدیگر سهیم می‌شوند. شیوع ویروس آزادی کار را برای دیکتاتورهایی که درصدد قرنطینه کردن و جداسازی ملت‌هایشان از دیگر جوامع هستند، سخت و پرهزینه ساخته است. از جنبه نظری هم دموکراتیزه شدن ارتباطات موجب گسترش دموکراسی در جهان خواهد شد. ابداعات و نوآوری‌ها در ارتباطات مدرن به فرسایش قدرت اقتدارطلبان در طول زمان کمک خواهد کرد (Bremmer, 2010:86). وسایل مدرن ارتباطی با تولید و انتشار انبوه اطلاعات سبب کاهش کنترل و نظارت دولت بر اذهان شهروندان شده است. انقلاب ارتباطات و اطلاعات، وفاداری‌های جدیدی را طلب می‌کند.

همچنان که فناوری‌های نوین ارتباطی در حال شکل‌دهی دوباره جهان هستند، اینترنت در رأس این تحولات قرار دارد. از آغاز ظهور اینترنت در اوایل دهه ۱۹۹۰م علاقه‌مندان به این شبکه جهانی از چند میلیون کاربر به چند میلیارد نفر افزایش یافته‌اند. به موازات این تحول، رسانه‌های اجتماعی به یکی از واقعیت‌های مسلم زندگی برای جامعه مدنی جهانی تبدیل شده و بسیاری از شهروندان، فعالان و سازمان‌های غیردولتی، شرکت‌های ارتباطات راه دور و حکومت‌ها را درگیر کرده است (Shirky, 2011:29).

ظهور و توسعه اینترنت تأثیر شگرفی در ماهیت سیاست بر جای گذاشته و یکی از اصلی‌ترین ابزارهای تحول در عرصه حکمرانی است. اینترنت وسیله‌ای است که مردم می‌توانند به راحتی با بیرون از مرزهای خود ارتباط برقرار کرده، اطلاعاتی درباره هرآنچه که می‌خواهند به دست آورند. اینترنت افراد را قادر می‌سازد تا به‌طور بی‌سابقه‌ای بر جهان پیرامون خود کنترل داشته باشند. در گذشته، سازمان‌های بزرگ مانند ایستگاه‌های رادیو و تلویزیونی، روزنامه‌ها و مجله‌ها، تنها منابع خبری توده مردم بودند. اکنون دسترسی افراد به اخبار، فقط از طریق نهادهای قدرتمندی که با اختیارات و امکانات مالی می‌توانستند انتشار اطلاعات را کنترل کنند، صورت نمی‌گیرد، بلکه اینترنت دستیابی مستقیم مردم به اطلاعات را ممکن ساخته، جابه‌جایی مکانی و زمانی اطلاعات را فراهم می‌سازد و موجب تقویت تعامل مدنی و مشارکت مردم در رویدادهای تأثیرگذار بر جامعه می‌شود. این نشانگر قدرت رسانه‌های جدید است؛ مشارکت در جهانی که تک‌تک انسان‌ها بخشی از تاریخ آن را تشکیل می‌دهند و هر یک می‌توانند در آن تأثیرگذار باشند.

درواقع اینترنت باعث تمرکززدایی قدرت شده است. در حال حاضر، افراد درباره اینکه کدام منابع اطلاعاتی را بپذیرند، حق انتخاب دارند. این موضوع به دموکراتیزه شدن بیشتر دانش، اعطای قدرت به افراد و تعاملات آگاهانه بیشتر میان شهروندان و سازمان‌ها می‌انجامد (آکسفورد و هاگینز، همان، ص ۱۸۱).

اینترنت و کاربردهای آن یک روش جهشی برای شهروندان فراهم می‌کند تا در فرایندهای دموکراتیک شرکت جویند. از جنبه نظری، کاربرد اینترنت در فرآیند اصلاحات، از قبیل تمرکززدایی، پاسخ‌گویی و ایجاد فضای باز سیاسی در عصر اطلاعات نقشی مهم ایفا می‌کند. آنها این توانایی را دارند که فرآیندهای دموکراتیک را با فراهم‌سازی اطلاعات برای شهروندان و اجازه‌دادن به شهروندان برای اینکه حرف‌های یکدیگر را بشنوند و به گوش سیاستمداران و خدمتگزاران دولتی برسانند، بهبود بخشند (هیکس، ۱۳۸۴، صص ۲۲۹-۲۳۰). به همین دلیل در عصر اطلاعات، یا به بیانی تازه‌تر عصر ویکی‌لیکس که نقطه عطفی برای جهان سیاست به‌شمار می‌آید، هیچ دولتی حاشیه امن ندارد. نشر اخبار و اطلاعات در ویکی‌لیکس نتیجه طبیعی جامعه شبکه عصر اطلاعات است که به شفاف‌سازی در جهان و در نهایت به محرمانه‌زدایی از سیستم‌های سیاسی می‌انجامد. پس جهان مدرن باید به شفاف‌سازی عادت کند (اعلمی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸).

بنابراین شبکه جهانی به رشد جامعه مدنی کمک می‌کند. شبکه به حوزه عمومی تازه‌ای تبدیل شده که به سرعت در حال رشد است. همچنان که حجیت متن اعتبار خود را از دست می‌دهد، جامعه مجازی^۱ که مردم از سراسر جهان از طریق آن درباره همه مسائل، از جمله معنای زندگی، گفتگو و اظهار نظر می‌کنند، جای جامعه چاپی را می‌گیرد. شبکه جهانی از راه گسترش دادن دامنه بحث و میدان‌دادن به شرکت‌کنندگان بیشتر، در تقویت آزادی و برابری مؤثر بوده است. افزایش شتابان بازیگران جهانی و تکثیر قاعده‌های بازی و بیان صداهای مختلف به شکل‌گیری جهانی یکدست و یک‌شکل کمک کرده است (رجایی، همان، ص ۱۳۸).

اما یکی از دستاوردهای اینترنت، ظهور رسانه‌های مجازی^۲ است. این رسانه‌های جدید ویژگی‌های ارتباطی متفاوتی با رسانه‌های سنتی دارند؛ از این رو در مقابل رسانه‌های قدیمی‌تری از جمله تلویزیون، رادیو، کتاب و مطبوعات، برای رسانه‌های دنیای مجازی از عبارت «رسانه‌های اجتماعی»^۳ استفاده می‌شود (مولایی، ۱۳۸۸، ص ۱۳۸).

از ویژگی‌های شاخص این رسانه‌ها به‌طور مختصر می‌توان به این موارد اشاره کرد: امکان مشارکت کردن. رسانه‌های اجتماعی ارسال بازخورد از سوی مخاطب و همکاری و همگامی با رسانه را تسهیل کرده‌اند و آن را تشویق می‌کنند. این رسانه‌ها مرز و خط‌کشی میان

1. virtual community.
2. virtual media.
3. social media.

رسانه و مخاطب را از بین برده‌اند. آنها رأی دادن، کامنت گذاشتن و به اشتراک‌گذاری اطلاعات را تشویق می‌کنند. به‌ندرت برای تولید و دسترسی به محتوا در این رسانه‌ها مانعی وجود دارد.

ارتباط دوسویه. رسانه‌های سنتی عمل انتشار را انجام می‌دادند و محتوا را برای مخاطب ارسال می‌کردند، ولی در رسانه‌های اجتماعی فضایی برای گفتگو و محاوره دوطرف وجود دارد و جریان ارتباطی از حالت یک‌سویه به دوسویه تغییر یافته است. به‌بیان‌دیگر، اگر در رسانه‌های سنتی مانند روزنامه‌ها، اطلاع‌رسانی جاده‌ای یک‌طرفه بود که مسیر آن از سمت رسانه به سوی مردم است، در رسانه‌های جدید، مردم برای نشر خبر منتظر خبرنگاران نمی‌مانند و خود به‌خود به‌عنوان عاملی برای انتشار سریع اخبار تبدیل می‌شوند (غیثاوی، ۱۳۸۹، ش).

امکان بسیج اجتماعی. رسانه‌های اجتماعی این امکان را فراهم می‌کنند که جماعت‌ها و گروه‌ها به سرعت شکل بگیرند و ارتباط مؤثری برقرار کنند. این جماعت‌های آنلاین می‌توانند حول علایق مشترکی مانند عکاسی، فعالیت‌های ورزشی و هنری تا سازماندهی اعتراضات سیاسی و خلق جنبش‌های اجتماعی شکل بگیرند. شبکه‌های اجتماعی همیشه در حال گسترش اتصالات و ارتباطات خود هستند و با سایت‌ها، منابع و افراد دیگر پیوند برقرار می‌کنند (مولایی، همان).

در مجموع باید اذعان نمود اینترنت به فضای عمومی قرن بیست‌ویکم تبدیل شده است، در همه‌جا کم‌وبیش در دسترس قرار دارد، نظارت چندانی بر آن صورت نمی‌گیرد و روابط کاری رسمی در آن جایی ندارد. اینترنت میان افراد و عقاید آنها در سراسر جهان ارتباط برقرار می‌کند. امروزه وبلاگ‌ها و وبلاگ‌نویسان رسانه‌های سنتی را که منافع شخصی و بقای اقتصادی حس مسئولیت اجتماعی آنها را کم‌رنگ ساخته است به حاشیه رانده‌اند و ابعاد تازه‌ای از شفافیت در پوشش‌های خبری ایجاد کرده‌اند. اینترنت دورنمای یک دنیای بدون مرز را نوید می‌دهد و زمینه را برای احزاب فراکشوری و نیز جنبش‌های اجتماعی فراملی فراهم می‌کند. تکنولوژی نوین امکان ارتباطات افقی بین افراد و گروه‌ها را مهیا کرده، برای احزاب سیاسی فرصت مشارکت در ارتباطات جهانی را فراهم می‌سازد.

شبکه‌های اجتماعی سلاح ملت‌های عرب

دولت‌های دیکتاتوری و شبه‌دموکراتیک معمولاً ترجیح می‌دهند دست به توسعه اقتصادی بزنند و از توسعه سیاسی خودداری می‌کنند. آنها بر این باورند که می‌توان یکی را بدون دیگری به‌پیش برد؛ غافل از آنکه توسعه اقتصادی باعث افزایش رفاه اقتصادی و ظهور طبقه متوسطی می‌شود که عمده مطالباتش سیاسی است. از طرفی یکی از شاخص‌های توسعه ایجاد

زیرساخت‌های ارتباطی است. گسترش ابزارهای مدرن ارتباطی می‌تواند هم تسهیل‌کننده پیشرفت‌های اقتصادی جامعه باشد و هم معلول و نتیجه آن. دولت‌های استبدادی عرب تحت الزامات جهانی شدن و برنامه‌های نیم‌بند توسعه اقتصادی، به گسترش تکنولوژی نوین ارتباطی در کشورهاشان همت گمارده، به‌طور گسترده‌ای در حوزه ارتباطات سرمایه‌گذاری کرده‌اند. برای آنها ایجاد زیرساخت‌های ارتباطاتی جدید جذابیت‌هایی به دنبال داشته و نمادی از ترقی است. این حکومت‌ها شیفته و طالب استفاده از فواید و آسایشی بودند که تکنولوژی جدید با خود به همراه داشته است؛ حتی اگر به قیمت ازدست دادن بخشی از کنترل و نظارت آنها بر محتوا و مندرجات این رسانه‌ها تمام شود. آمار نشان می‌دهد ضریب نفوذ و استفاده از اینترنت در خاورمیانه و شمال آفریقا در مقایسه با دیگر مناطق جهان افزایش بیشتری داشته است.

اما تحولات اخیر از محاسبه غلط حکام دیکتاتور جهان عرب از اثرگذاری ابزارهای نوین ارتباطی در بیداری و خیزش مردم در برابر جور حاکمان مستبد حکایت دارد. این حوادث نشان داد که رسانه‌های مدرن در تقویت حقوق سیاسی مردم در خاورمیانه و شمال آفریقا نقش مهمی دارند. ابزارهای جدید ارتباطی که اکنون در دسترس مردم قرار گرفته، فرصت بی‌نظیری برای پیوندهای سریع و رها از محدودیت در اختیار گروه‌های سیاسی و اجتماعی قرار داده است. پیدایش این کانال‌های ارتباطی جدید مردم را قادر ساخته است تا اخبار و اطلاعات دستکاری‌شده از سوی رسانه‌های حکومتی را دور بزنند (Calfano & Sahliyah, 2008: 64-65). انقلاب نرم‌افزاری، ملت‌های استبدادزده عرب را درگیر جنبش‌هایی نمود که مطالبه همه آنها رهایی از قید رژیم‌های قرون وسطایی بود. به‌طور کلی می‌توان تاثیرگذاری رسانه‌های نوین در تحولات اخیر جهان عرب را در دو بخش بلندمدت و کوتاه‌مدت بررسی کرد.

در بخش اول، این رسانه‌های مدرن بودند که در گذر زمان موجب آگاهی توده‌های مردم نسبت به موضوعات مختلف پیرامون خود و وضعیت کشورشان و مقایسه آن با کشورهای همسایه و جهان شدند. قطعاً به‌جز رسانه‌های نوین، هیچ جایگزینی نمی‌توانست سطح آگاهی‌های بخش‌های مختلف مردم را صرفاً با استفاده از سیستم‌های سنتی مانند دانشگاه، مدرسه، کتاب و روزنامه تا این میزان افزایش دهد و آنها را از واقعیت‌های مگو یا تابو آگاه کند. همین رسانه‌های نوین هستند که با افزایش آگاهی عمومی، مردم کشورهای به‌ظاهر دموکراتیک و در باطن دیکتاتوری را به انبارهای باروتی تبدیل کرده تا با تزریق «امید» معجزه‌هایی را در مقابل چشمان به‌ت‌زده عالمیان ترسیم کنند. مردم این کشورها از سال‌ها پیش با ظهور رسانه‌های نوین، کم‌کم واقعیت شرایط کشورشان را دریافتند و روزبه‌روز بر آگاهی و

اطلاعاتشان افزوده شد. همین روند مردم را با جایگاه فعلی آنان و جایگاهی که باید باشند آشنا کرد تا برای انتقال بین دو جایگاه چاره‌ای بیاندیشند (غیثاوی، همان).

شبکه اجتماعی فیس‌بوک مدتها قبل از قیام مردم تونس مطالب و گزارش‌هایی از فساد خانواده بن‌علی، دیکتاتور پیشین، و دیگر دولتمردان تونسی منتشر کرده بود. اسناد ارائه‌شده از پایگاه ویکی‌لیکس روشن ساخت که خانواده همسر بن‌علی در دست‌اندازی به املاک و دارایی‌های دیگران و نیز غصب و تملک شرکت‌هایی که منابع مالی و سرمایه آن‌ها مشکوک است ید طولایی داشتند.

اما در حوزه تأثیرگذاری کوتاه‌مدت، این رسانه‌های نوین بودند که در زمان بروز اعتراضات و انقلاب‌ها و کشمکش و مقابله با دولت‌ها و دیکتاتورها، نقش‌های عملیاتی متعددی را ایفا کردند. در کشورهای عربی کاربران اینترنت (که می‌توانند هر کدام از مردم عادی باشند) در قامت یک فعال سیاسی، یک حزب و حتی یک رهبر ظاهر شدند و در سایت‌های تعامل اجتماعی مانند فیس‌بوک و توئیتر برای برگزاری تجمع و روز خشم، فراخوان صادر کردند و پس از تجمعات و درگیری‌ها با انتشار خبر، عکس و فیلم ضبط‌شده به‌وسیله دوربین‌های موبایل، در سایت‌ها و وبلاگ‌ها اطلاعات بسیاری را در اختیار مردم خود و دیگر کشورها قرار دادند (غیثاوی، همان). پس باید گفت شبکه‌های اجتماعی نقش بزرگی در تحولات خاورمیانه و شمال آفریقا داشتند و تظاهراتی را که علیه حکام وابسته به آمریکا مثل مبارک و بن‌علی شکل می‌گرفت، معترضان در فیس‌بوک، توئیتر و... هماهنگ می‌کردند.

در حقیقت در انقلاب بدون رهبر تونس، این خود مردم بودند که از طریق رسانه‌های مدرن و در رأس آنها شبکه‌های اجتماعی به سازماندهی و مدیریت جریان اعتراضات اقدام می‌کردند. در خلال ناآرامی‌ها، کاربران تونسی که از فیس‌بوک بهره می‌بردند، اولین کانون ارائه اطلاعات از حوادث آن کشور بودند. جوانان تونس ده‌ها هزار پرچم کشورشان را که آغشته به خون بود، به جای پرچم قرمز تونس در فیس‌بوک به نمایش گذاشتند. بیش از ۱.۶ میلیون نفر از جمعیت ۱۰.۴ میلیون نفری تونس در شبکه اجتماعی فیس‌بوک عضویت داشتند. هزاران جوان تونسی با استفاده از وسایل موجود به عنوان خبرنگار افتخاری در دنیای مجازی به فعالیت پرداخته، فیلم‌های فراوانی از قیام مردم تونس در شبکه‌های اجتماعی منتشر کردند. آنان در برخورد با باتوم و گاز اشک‌آور و تک‌تیراندازان بن‌علی از تلفن‌های همراه خود به عنوان سلاح استفاده می‌کردند؛ اسلحه‌ای که ثابت شد مؤثرتر و کاراتر بوده است. در شرایطی که خبرنگاران و عکاسان حرفه‌ای به کانون‌های درگیری دسترسی نداشتند، تصاویر قیام مردم ضبط و در فضای مجازی به اشتراک گذاشته می‌شد و از این طریق در شبکه‌هایی ماهواره‌ای چون الجزیره و فرانس ۲۴ برای جهانیان به نمایش درمی‌آمد. برخی از فعالان دنیای مجازی اینک عضو دولت

جدید تونس هستند (china,2011:24). بنابراین ابزارهای نوین ارتباطی مانند تلفن همراه، اینترنت و کانال‌های ماهواره‌ای که دولت تونس کنترل بر آنها نداشت، مهم‌ترین عامل در کمک به معترضان تونس برای غلبه بر دیکتاتوری ۲۳ ساله بن‌علی و دومینوی انقلاب‌ها در منطقه بود.

دولت مصر نیز تویتر و فیس‌بوک را در ۲۵ ژانویه ۲۰۱۱ مسدود و در کار معترضان که برای هماهنگی تظاهرات از این سایت‌ها بهره می‌بردند، اختلال ایجاد کرد. حسنی مبارک هم در یک اقدام بی‌سابقه در ۲۸ ژانویه در مصر اینترنت را قطع کرد، اما به دلیل هزینه‌بر بودن این اقدام از جنبه اقتصادی و فشار قدرت‌های خارجی، مجبور به برقراری دوباره خطوط اینترنت شد (Ghannam, 2011. 17).

پرواضح است روزهای انحصار اطلاعات شبکه‌ها و روزنامه‌های وابسته به حکومت‌ها، با ظهور و جولان رسانه‌های اجتماعی به پایان رسیده است. این رسانه‌ها صدای آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی را در سرتاسر دنیای عرب بلندتر کرده، فرصت بی‌سابقه‌ای را برای بهبود وضع حقوق بشر فراهم نموده‌اند.

ملت‌های عرب با یاری‌جستن از رسانه‌های نوین ارتباطی، جنبش آزادی بیان را تجربه کردند که به مرور وارد کالبد سیاسی کشورهایی مانند تونس، مصر و لیبی شده، به فروپاشی رسانه‌های تحت حمایت دولت و انحصار اطلاعات در این کشورها انجامیده است. در واقع جهان عرب از مراکش تا بحرین شاهد سیر صعودی رسانه‌های اجتماعی مستقل و افزایش مداوم کاربران اینترنتی است که انتظار می‌رود شمار آنها تا سال ۲۰۱۵ به ۱۰۰ میلیون نفر برسد. این رسانه‌های اجتماعی شهروندان را آگاه ساخته، بسیج نموده، سرگرم کرده، میان آنان ارتباط برقرار نموده، شفافیت را افزایش داده و در صدد ایجاد حکومت‌های پاسخگو بوده‌اند (Ibid.6). این تحولات مرهون تکنولوژی‌های مدرنی است که موانع سنتی فعالیت‌های اجتماعی از قبیل سن، جنسیت و اوضاع اجتماعی-اقتصادی را در ملت‌های عرب کنار زده‌اند. بخش اعظم این تغییر حاصل ظهور و رواج تلفن‌های همراه است که تأثیر آن در قرن بیست‌ویکم با انقلاب سبز قرن بیستم مقایسه می‌شود که از تکنولوژی‌ها و شیوه‌های پیشرفته کشاورزی برای افزایش محصولات غذایی در سراسر دنیا استفاده شد. برای مثال، در کشوری مانند پاکستان در سال ۲۰۰۰ کاربران تلفن همراه ۳۰۰ هزار نفر بودند، اما در آگوست ۲۰۱۰ این تعداد نزدیک به ۱۰۰ میلیون نفر بود. چنین تغییرات شگرفی در صنعت ارتباطات تأثیرات بزرگی بر ساکنان زمین خواهد داشت (Schmidt & Cohen, 2010:81).

اکنون سایت‌های خبری آنلاین و وبلاگ‌ها به‌منزله دیده‌بان رسانه‌های دولتی جهان عرب عمل می‌کنند. برای مثال، زمانی که روزنامه دولتی الاهرام عکسی را نشان داد که در آن حسنی

مبارک پیشاپیش سران کشورهای شرکت‌کننده در مذاکرات صلح فلسطین - اسرائیل در واشنگتن حرکت می‌کرد، این وایل خلیل وبلاگ‌نویس مصری بود که با نشان دادن تصویر واقعی، قدرت رسانه‌های اجتماعی را در نظارت بر درستی اخبار رسانه‌های دولتی به رخ حکومت مبارک کشید. در تصویر اصلی رئیس‌جمهور امریکا در جلوی سران کشورهای اردن، فلسطین و رژیم صهیونیستی، و مبارک در پشت سر آنها در حال ورود به سالن کنفرانس خبری بود. در واقع سردبیر الاهرام قصد داشت با تحریف تصویر اصلی وانمود کند حسنی مبارک در مسئله فلسطین یک جایگاه محوری دارد (Ghannam, Op.cit. 6-7).

به دلیل این توانمندی در شفاف‌سازی اطلاعات است که جوامع عربی به تدریج به سمت شبکه‌های اجتماعی و اخبار آنلاین گرایش پیدا کرده‌اند. بر اساس آمار، تعداد کاربران فیس‌بوک در جهان عرب حدود ۱۷ میلیون نفر است؛ در حالی که تعداد روزنامه‌هایی که در این منطقه روزانه فروخته می‌شود، ۱۴ میلیون نسخه می‌باشد. بر اساس گزارش مدیر بازاریابی گوگل در خاورمیانه و شمال افریقا، مطالعه اخبار بیشترین جستجو را در این سایت به خود اختصاص داده و در رتبه‌های بعد جستجوی تصاویر و موسیقی و کلیپ‌های تصویری قرار دارند. در میان ۳۳۴۸ نفری که در مصر نظرسنجی شده‌اند، تعداد خوانندگان روزنامه‌های آنلاین در مقابل منابع خبری مکتوب ۵۰ در برابر ۳۵ درصد است. در اردن این نسبت برابر است. البته در کشورهای حاشیه خلیج فارس این نسبت اندکی به سود رسانه‌های مکتوب است که در آینده نزدیک با توجه به روند جاری به سود رسانه‌های آنلاین تغییر خواهد کرد (Ibid: 12). در مجموع تلفن‌های همراه، شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ماهواره‌ای نقش اساسی در تسهیل قیام‌های اخیر بر ضد حکومت‌های خودکامه داشته‌اند. از مصر تا لیبی حکومت‌ها نتوانستند از ارسال تصاویر و خبر به شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای جلوگیری کنند. در جنبش‌های اخیر منطقه، سایت‌هایی مانند فیس‌بوک، توئیتر و فلیکر و نیز شبکه‌های ماهواره‌ای نظیر الجزیره، سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی پرستفاده‌ترین ابزارهای ارتباطی و مؤثرترین سلاح ملت‌ها در برابر دیکتاتورهای محدود بازمانده از قرن بیستم بودند.

نتیجه

حاکمان خودکامه عرب برای خنثی‌سازی توان مخالفان در بسیج عمومی و انتشار مستند حوادث در پاره‌ای مواقع شبکه‌های ارتباطی را از دسترس خارج می‌ساختند. اما امروزه بستن این کانال‌های ارتباطی بسیار پرهزینه است، زیرا اقتصاد امروزی نمی‌تواند بدون ابزارهای مخابراتی به فعالیت پردازد. به عبارتی اقدامات سلبی در برابر امواج اطلاعات جوابگو نیست و توانایی دولت‌ها برای تعطیلی و قطع خطوط ارتباطی در ابعاد وسیع و بلندمدت محدود است.

در مقابل نسل جوان عرب که به «نسل شبکه» شهرت یافته، به خوبی نشان داده است که می‌تواند از فضای مجازی برای بیان دیدگاه‌ها و تحقق آرمان‌هایش استفاده کند. حکام عرب باور نداشتند که با دستگاه پلیس مخفی، کنترل رسانه‌ها، ارباب نخبگان و روشنفکران و سرکوب آزادی‌های سیاسی امکان‌پذیر نباشد. این حاکمان مستبد نمی‌دانستند سیستم‌های جدید ارتباطی دگرگونی قدرت را تسریع کرده، تسلط حکومتگران بر اندیشه مردمی را که بر آنها حکومت می‌کنند درهم می‌شکنند. این رسانه‌های مدرن نه تنها به مردم آگاهی بخشیدند، بلکه به آنان امید هم تزریق کردند و اگر این امید به پیروزی نبود، مردم کشورهای عربی یکی پس از دیگری، آن هم پس از سال‌ها سکوت و انفعال، این گونه قیام نمی‌کردند.

به یاری اینترنت و سایر وسایل مدرن ارتباطی است که ملت‌های استبدادزده مصر، تونس، لیبی و یمن به دیگر مردمان آزاد این سیاره خاکی پیوستند. پس اینترنت در عمل ابزاری در خدمت دموکراسی است و در عصر رواج شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای، دیگر راهی برای تداوم سانسور و دور نگه داشتن مردم از اطلاعات درست وجود ندارد. ویژگی ممتاز عصر جدید، سلطه رسانه بر زندگی بشر است.

بر همین اساس، هابرماس معتقد بود رسانه‌ها به صورت روزافزون به نهادهای غالب فضای عمومی تبدیل می‌شوند. رسانه‌های جدید منبع غنی فعالیت سیاسی، و فضای غالب و مکان‌های عمده سیاست در دوران معاصرند. تمرکززدایی، فراملی کردن اموری که در گذشته سیاست داخلی نامیده می‌شد، افزایش بازیگران سیاسی و اهمیت کیفی تکنولوژی ارتباطی در زندگی سیاسی، از ویژگی‌های سیاست پست‌مدرن است. پس پتانسیل رسانه‌های اجتماعی عمدتاً در حمایت آنها از جامعه مدنی و فضای عمومی نهفته است. داشتن ماهیت باز و عمومی، بی‌واسطه بودن و خصلت تعاملی شبکه‌های مجازی، آنها را به عامل دلگرم‌کننده‌ای برای هرگونه تئوری دموکراتیک تبدیل کرده است. البته نباید فراموش کرد که وضعیت سیاسی و اقتصادی کشورها در ایجاد شرایط انقلابی مؤثرتر از رسانه و اینترنت است، اما رسانه‌ها قادرند با تسهیل آزادی بیان، آگاهی‌بخشی و شفاف‌کردن حوزه‌های اقتصادی و سیاسی، بهبود حقوق شهروندان و اقلیت‌های محروم از مشارکت سیاسی، موجب پیشرفت و پایداری دموکراسی شوند. به سخن دیگر، شبکه‌های اجتماعی به تنهایی عامل پیدایش این خیزش‌ها نبودند، اما بی‌شک در تداوم، گسترش و سرایت آنها نقش اساسی داشتند. بنابراین باید این احتمال را بپذیریم که انقلاب‌های اخیر اگر رسانه‌ای نمی‌شدند خونین‌تر و طولانی‌تر رخ می‌دادند.

جدول ۱. شاخص‌های حکمرانی خوب در کشورهای خاورمیانه (۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰)

<http://info.worldbank.org/governance>

کشور	کنترل فساد (شفافیت)	حاکمیت قانون	اجماع سازی	مسئولیت پذیری	کارایی و اثربخشی	ثبات سیاسی
الجزایر	-۰/۴۹	-۰/۷۳	-۰/۹۴	-۱/۰۴	-۰/۵۹	-۱/۲۰
بحرین	+۰/۳۰	+۰/۵۱	+۰/۷۸	-۰/۸۳	+۰/۶۲	-۰/۰۹
مصر	-۰/۴۱	-۰/۰۳	-۰/۱۴	-۱/۱۲	-۰/۳۰	-۰/۶۳
اردن	+۰/۲۷	+۰/۳۸	+۰/۳۶	-۰/۸۵	+۰/۲۸	-۰/۲۳
کویت	+۰/۴۲	+۰/۵۹	+۰/۲۰	-۰/۵۴	+۰/۲۱	+۰/۴۲
لبنان	-۰/۸۰	-۰/۶۴	-۰/۰۷	-۰/۳۳	-۰/۶۷	-۱/۵۱
لیبی	-۱/۱۰	-۰/۷۵	-۱/۰۰	-۱/۸۹	-۱/۱۲	+۰/۶۲
مراکش	-۰/۲۳	-۰/۱۶	-۰/۰۱	-۰/۷۹	-۰/۱۱	-۰/۴۳
عمان	+۰/۴۸	+۰/۶۸	+۰/۶۶	-۱/۰۸	+۰/۶۵	+۰/۸۱
قطر	+۱/۶۴	+۰/۹۶	+۰/۶۲	-۰/۸۹	+۱/۱۳	+۱/۱۲
عربستان	+۰/۱۵	+۰/۱۲	+۰/۲۲	-۱/۷۷	-۰/۰۹	-۰/۳۷
سوریه	-۰/۹۶	-۰/۴۷	-۱/۰۷	-۱/۶۳	-۰/۶۱	-۰/۶۸
تونس	+۰/۰۲	-۰/۲۲	+۰/۱۰	-۱/۲۷	+۰/۴۱	+۰/۲۳
امارات متحده	+۱/۰۴	+۰/۵۲	+۰/۵۶	-۰/۸۷	+۰/۹۳	+۰/۹۱
یمن	-۱/۰۳	-۱/۱۵	-۰/۶۰	-۱/۲۷	-۱/۱۲	-۲/۳۱

جدول ۲. ضریب نفوذ اینترنت در خاورمیانه

www.internetworldstates.com Internet World States- /stats5.htm 1,733,993,741-2009

سایر مناطق	متوسط جهانی	خاورمیانه
۲۵.۵	۲۵.۶	۲۸.۳

منابع و مأخذ

الف) فارسی:

- آشفتنه تهرانی، امیر (۱۳۸۷). "جامعه‌شناسی جهانی شدن"، تهران، نشر دانژه، چاپ اول.
- آکسفورد، بری & هاگینز، ریچارد (۱۳۸۷)، "رسانه‌های جدید و سیاست"، بابک دریکی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ اول.
- اعلمی فریمان، هادی. "درس‌های نظری از داده‌های ویکی‌لیکس" در: <http://strategicreview.org/1389/09/25/%D8%AF%D8%B1%D>
- تافلر، الوین (۱۳۷۰)، "تغییر ماهت قدرت"، مترجمین شاهرخ بهار حسن نورایی بیدخت، تهران، چاپخانه علامه طباطبایی، چاپ اول.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۰)، "پدیده جهانی شدن: وضعیت بشری و تمدن اطلاعاتی"، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، نشر آگاه، چاپ اول.

۶. سجادیپور، سید محمد کاظم (۱۳۹۰)، "مثلث تکنولوژی، دیپلماسی و امنیت ملی در اسناد ویکی لیکس"، در: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/news/57/bodyView/11598>
- پایگاه اطلاع رسانی عملیات روانی و جنگ نرم"، در: ۲۱ ۷. نای، جوزف (۲۰۱۱)، "شبکه های مجازی کلید قدرت در قرن ۲۱"، در: <http://www.psyop.ir/?p=3922>
۸. نوذری، حسینعلی (۱۳۸۱)، "بازخوانی هایبرماس(درآمدی بر آراء، اندیشه‌ها و نظریه‌های یورگن هایبرماس)", تهران، نشر چشمه، چاپ اول.
۹. غیشاوی، رضا (۱۳۸۹)، "عصر جدید رسانه آغاز شده است: انقلاب‌های بی‌سابقه صحنه قدرت‌نمایی رسانه‌های نوین". در: <http://www.asriran.com/fa/news/157773/>
۱۰. هیکس، ریچارد (۱۳۸۴)، "بازآفرینی دولت در عصر اطلاعات"، ترجمه هادی دارمی و نصرالله جهانگرد و محسن بازری، تهران، شورای عالی اطلاع رسانی، چاپ اول.

(ب) خارجی:

11. Bremmer, Ian (2010), "Democracy in Cyberspace", Foreign Affairs; Nov/Dec, Vol. 89 Issue 6, p 86-92
12. Calfano, Brian Robert & Sahliyah, Emile (2008), "Transmitting Reform? Assessing New Media Influence on Political Rights in the Middle East" Critical Middle Eastern Studies, Vol. 17, No. 1, 63-77, Spring 2008
13. China, Walid (2011), "The Facebook Revolution", New African, February, pp.24-24
14. Ghannam, Jeffrey. "Social media in the Arab world: leading up to the uprisings of 2011" february3,2011, available at: http://www.humansecuritygateway.com/documents/CIMA_SocialMediaInTheArabWorld_LeadingUpToTheUprisingsOf2011.pdf
15. Goldstone Jack A. (2011), "Understanding the Revolutions of 2011", Foreign Affairs, May/June, Vol. 90 .pp.8-16
16. Hoffman, David (2002), "Beyond public diplomacy", foreign affairs, March /April, pp.83-95
17. Morozov, Evgeny (2011) "Freedom.gov: Why Washington's support for online democracy is the worst Thing ever to happen to the Internet", foreign affairs, JANUARY/FEBRUARY, available at: www.foreignpolicy.com/articles
18. Schmidt, Eric & Cohen, Jared (2010), "The Digital Disruption", Foreign Affairs, Nov/Dec, Vol. 89 Issue 6, pp.75-85
19. Scola, Nancy (2011), "Mobile Phones and the Middle East's Many Million Documentarians", February 21, available at: <http://techpresident.com/blog-entry>
20. Shirky, Clay (2011), "The political power of social media: Technology, the public sphere, and political change", foreign affairs, January/february, pp.28-41.